

## رابطه شیوه‌های فرزند پروری با انگیزه پیشرفت در دانش آموزان پسر دوره راهنمایی اهواز

دکتر حسین شکرکن \*

مسعود باقری \*\*

چکیده

انگیزه پیشرفت یک ویژگی شخصیتی است که مردم از جهت آن با هم متفاوتند و بر اساس آن می‌توان رفتارهای خاصی را پیش بینی کرد. انگیزه پیشرفت گرایشی است برای پیشی گرفتن بر دیگران، برای پیشرفت با توجه به ملاکهای مشخص و برای تلاش جهت کسب موفقیت. هدف از انجام این تحقیق بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری مادران با انگیزه پیشرفت فرزندان پسر آنهاست. نمونه تحقیق متشکل از ۱۰۸ دانش آموز پسر پایه‌های اول تا سوم دوره راهنمایی شهر اهواز است که با روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. فرضیه عام این تحقیق که به چهار فرضیه ویژه تجزیه شده است عبارت از این است که سن استقلال آموزی، تسلط آموزی، و مراقبت آموزی آزمودنیها، چه به طور کلی و چه به صورت جداگانه، با انگیزه پیشرفت آنان همبستگی منفی دارد. برای آزمون فرضیه‌ها از روش آماری همبستگی استفاده به عمل آمده است. نتایج حاصل نشان می‌دهند که ضریب همبستگی مجموع نمره‌های این سه شیوه فرزند پروری با انگیزه پیشرفت برابر با  $0/63-$  است که در سطح  $0/01$  آماری معنی دار است. ضرایب همبستگی میان سن استقلال آموزی، سن تسلط آموزی، و سن مراقبت آموزی با انگیزه پیشرفت نیز به ترتیب برابرند با  $0/50-$ ،  $0/59-$ ، و  $0/50-$  که همگی در سطح  $0/01$  آماری معنی دارند. تحلیل‌های اضافی نشان داد که پایگاه اجتماعی اقتصادی آزمودنیها در میزان رابطه شیوه‌های فرزند پروری با انگیزه پیشرفت تفاوت معنی داری ایجاد نمی‌کند.

\* - دکتر حسین شکرکن، عضو هیأت علمی گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.

\*\* - آقای مسعود باقری، عضو هیأت علمی دانشگاه باهنر کرمان.

### زمینه تحقیق

یکی از انگیزه‌های مهم اجتماعی که رفتار آدمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد انگیزه پیشرفت (Achievement Motivation) است. انگیزه پیشرفت بنا بر تعریف روبینز (Robbins, ۱۹۹۳) عبارت است از ساققی برای پیشی گرفتن بر دیگران، دستیابی به پیشرفت با توجه به ملاکهای مشخص و تلاش جهت کسب موفقیت. کسی که دارای انگیزه پیشرفت است این تمایل را دارد که کارش را به خوبی انجام دهد و به صورت خودجوش به ارزیابی عملکرد خود بپردازد. رفتارهای پیشرفت‌گرای افراد نشانه‌هایی از انگیزه پیشرفت آنان به دست می‌دهد. مثلاً، "کودکی که در فراگیری ریاضیات سخت به تلاش و تکاپو می‌پردازد احتمالاً" از انگیزه پیشرفت بالایی برخوردار است.

دو نظریه عمده در خصوص انگیزه پیشرفت وجود دارد. یکی را جان اتکینسون (Atkinson, ۱۹۵۷) و دیگری را دیوید مک کللند (McClelland, ۱۹۶۱) پیشنهاد کرده‌اند. اتکینسون (۱۹۵۷) بر این باور است که چهار مؤلفه تمایل و گرایش فرد را در انجام یک تکلیف تعیین می‌کنند. این چهار مؤلفه عبارتند از:

- ۱- انگیزه کسب موفقیت،
- ۲- انگیزه پرهیز از شکست،
- ۳- احتمال ذهنی نیل به موفقیت در انجام یک تکلیف، و
- ۴- ارزش مشوقی رسیدن به موفقیت در انجام تکلیف.

ارزش مشوقی موفقیت با دشواری تکلیف همبستگی مثبت دارد. بدین سان، ارزش مشوقی موفقیت به عنوان مکملی برای احتمال موفقیت مطرح شده است. این نظریه پیش بینی می‌کند افرادی که انگیزه پیشرفت در آنان قویتر از انگیزه پرهیز از شکست است، تکالیفی را که دشواری متوسط دارند، ترجیح می‌دهند، در انجام آنها به بهترین وجه عمل می‌کنند و به رغم شکست مدت طولانی‌تری در انجام آنها پافشاری می‌کنند. برعکس، افرادی که انگیزه پرهیز از شکست در آنان قویتر از انگیزه پیشرفت است وظایفی را ترجیح می‌دهند که یا خیلی آسانند و یا خیلی دشوار.

مک کللند (۱۹۶۱) به چگونگی پیدایش انگیزه پیشرفت و پیامدهای اجتماعی آن علاقه داشته و در این زمینه چند فرضیه را به شرح زیر مطرح کرده است (کورمن Korman, ۱۹۷۷).

۱- افراد از لحاظ درجه‌ای که پیشرفت را تجربه‌ای رضایت بخش تلقی می‌کنند با هم تفاوت دارند.

۲- افراد دارای نیاز پیشرفت زیاد، در مقایسه با افرادی که نیاز کمتری به پیشرفت نشان می‌دهند، موقعیتهای زیر را ترجیح می‌دهند و در آنها سخت‌تر به کار می‌پردازند.

الف - موقعیتهای مشتمل بر مخاطره متوسط. دلیل این امر آن است که در مواردی که مخاطره اندک باشد احساسات ناشی از پیشرفت در حداقل خواهد بود و در مواردی که مخاطره بسیار باشد احتمالاً پیشرفتی حاصل نخواهد شد.

ب - موقعیتهایی که در آنها آگاهی از نتایج فراهم می‌شود. شخص دارای انگیزه پیشرفت زیاد مایل است بداند که آیا به پیشرفت دست یافته است یا نه.

ج - موقعیتهایی که در آنها مسئولیت فردی فراهم می‌شود. شخصی که به پیشرفت گرایش دارد می‌خواهد مطمئن شود که کسی غیر از او برای پیشرفتش امتیاز نگیرد.

۳- افرادی که نیاز بسیار به پیشرفت دارند اغلب به حرفه بازرگان کار آفرین (Entrepreneurial Role) به عنوان حرفه‌ای مادام‌العمر، جلب می‌شوند. فرضیه ۳ گویای آن است که انگیزه پیشرفت در چگونگی عملکرد بازرگانان کار آفرین، یعنی بازرگانانی که به تاسیس و شکوفاسازی شرکتها و مؤسسات بازرگانی خود مبادرت می‌ورزند، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. تأثیر انگیزه پیشرفت بر موفقیت بازرگانی، این انگیزه را به عنوان عاملی حیاتی در رشد اقتصادی جوامع مطرح ساخته است. هر کشوری که فرهنگش بر این انگیزه ارجح می‌گذارد و شمار بسیاری از افراد آن از انگیزه پیشرفت بالایی برخوردارند سریعتر از دیگر کشورها به رشد و شکوفایی نایل می‌آیند (ماینر، ۱۹۹۲).

### بازنگری پیشینه موضوع

بخشی از پژوهش مک‌کلند در زمینه نیاز پیشرفت به چگونگی تکوین و پیدایش این انگیزه مربوط است. به اعتقاد وی پیدایش انگیزه پیشرفت در افراد، به شیوه‌های تربیتی والدین آنان بستگی دارد. افراد دارای نیاز پیشرفت در محیطهایی پرورش می‌یابند که از آنان انتظار کفایت و لیاقت می‌رود، در سنین پایین به آنها استقلال داده می‌شود، اقتدارگرایی (Authoritarianism) یاری‌اندکی وجود دارد و از سلطه‌گری (Dominance) مادری عاری هستند.

تحقیق وینترباتوم (Winterbottom, ۱۹۵۶) نیز نشان داده است که مادران پسرهای پیشرفت‌گرا در مقایسه با مادران پسرهایی که انگیزه پیشرفت کمتری دارند، از فرزندان خود در کسب مهارت‌ها و استقلال، انتظارات بیشتری داشته‌اند. مثلاً، مادران پسرهای پیشرفت‌گرا از فرزندان خود انتظار داشتند که در سن ۷ سالگی رفت و آمد در شهر را یاد بگیرند، کارهای جدید و مشکل انجام دهند، شخصاً برای خود دوستانی بیابند و سعی کنند در کارهایی که مستلزم رقابت است از خود برتری نشان دهند. این مادران از موفقیت‌های فرزندان خود ابراز خشنودی می‌کردند و در چنین مواقعی آنان را در آغوش می‌گرفتند و می‌بوسیدند. برعکس، مادران پسرهایی که انگیزه پیشرفت در آنها ضعیف بود محدودیتهای زیادی بر فرزندان خود اعمال می‌کردند، اتکا، به نفس را در آنان ترغیب نمی‌کردند و آنان را متکی به خانواده بار آورده بودند. این مطالعه نشان داد که آموزش استقلال، تسلط و مراقبت در سنین پایین به کودکان در رشد انگیزه پیشرفت آنان مؤثر است.

روزن و داندرا (Rosen & D'Andrade, ۱۹۵۹) در تحقیقی چگونگی واکنش والدین را به رفتار پیشرفت‌گرای پسرانشان مورد بررسی قرار دادند. نتایج این تحقیق حاکی از آن بود که والدین پسرهای دارای انگیزه پیشرفت زیاد در مقایسه با والدین دارای انگیزه پیشرفت کم، علاقه زیادی به این موضوع نشان می‌دادند که پسرانشان تکالیف محوله را به خوبی انجام دهند و انتظار داشتند که عملکرد پسرانشان از حد متوسط بالاتر باشد. مادران پسرهای دارای انگیزه پیشرفت زیاد مصراً از پسران خود می‌خواستند تا تکالیف خود را انجام دهند، آنان را راهنمایی می‌کردند و از موفقیت آنان غرق در شادی و سرور می‌شدند. در صورتی که فرزندانشان ضعیف عمل می‌کردند آنان را مورد تأیید قرار نمی‌دادند. این مادران خود افرادی کوشا و رقابت طلب بودند و از پسرانشان نیز چنین انتظاری داشتند. پدران پسرهای دارای انگیزه پیشرفت زیاد، معیارهای بالایی برای عملکرد فرزندان خود تعیین می‌کردند و از آنان انتظار داشتند که طبق نظر آنها رفتار کنند، لیکن در قیاس با مادران تمایل کمتری به طرد فرزندان، اعمال فشار و سلطه‌گری از خود نشان می‌دادند.

برادبورن (Bradborn, ۱۹۷۹) در پژوهشی نشان داد که میان اقتدارگرایی پدران و نیاز پیشرفت پسرانشان رابطه‌ای منفی وجود دارد. کار و مدنیک (Carr & Mednik, ۱۹۸۸) در زمینه آموزش نقش جنسی و رشد انگیزه پیشرفت در کودکان سیاه پوست کودکانی که انجام تحقیقی پرداختند. در این تحقیق این فرضیه که آموزش نقش غیر سنتی برای جنس مؤنث به دختران و آموزش نقش سنتی برای جنس مذکر به پسران موجب افزایش انگیزه پیشرفت می‌گردد مورد تأیید قرار گرفت.

جی‌هال و همکارانش (Hall, et al, ۱۹۷۹) به انجام تحقیق جامعی دست یازیدند که در آن سبک‌های مدیریت و روش کار ۱۶۰۰۰ مدیر دارای انگیزه پیشرفت بالا، متوسط، و پایین را با هم

مقایسه کردند. برخی از یافته‌های عمده آنان به شرح زیر است:

- ۱- مدیران دارای انگیزه پیشرفت بالا با نظری مساعد به زیردستان خود می‌نگرند، در حالی که مدیران دارای انگیزه پیشرفت پایین دیدگاه‌های بدبینانه‌ای دارند و نسبت به نیات و صلاحیت زیردستان خود اطمینان ندارند.
  - ۲- مدیران دارای انگیزه پیشرفت بالا به جنبه‌هایی از شغل می‌پردازند که موجب کامروایی آنان می‌شود. آنان در خصوص این موارد با زیردستان خود گفتگو می‌کنند و می‌کوشند تا شغل را چنان سازمان دهند که سبب کامروایی زیردستانشان شود. از سوی دیگر، مدیران دارای انگیزه پیشرفت متوسط بیشتر با نمادهای پایگاهی سر و کار دارند و مدیران دارای انگیزه پیشرفت پایین نیز دلوپس امنیت شغلی خود هستند و در زیردستان هم این انگیزه‌ها را ایجاد می‌کنند.
  - ۳- مدیران دارای انگیزه پیشرفت بالا زیردستان را در تصمیم‌گیری مشارکت می‌دهند، در حالی که مدیران دارای انگیزه پیشرفت متوسط و پایین به مشارکت دادن زیردستان خود در فرایند تصمیم‌گیری تمایلی ندارند.
  - ۴- مدیران دارای انگیزه پیشرفت بالا در تعاملها و ارتباطات خود با دیگران با گشاده رویی و تفاهم عمل می‌کنند، در صورتی که مدیران دارای انگیزه پیشرفت متوسط تنها با اندیشه‌ها و احساسات خود مشغولند، و مدیران دارای انگیزه پیشرفت پایین کلاً از تعامل و برقراری ارتباط پرهیز می‌کنند.
  - ۵- مدیران دارای انگیزه پیشرفت بالا هم به مردم و هم به تولید توجه دارند، در صورتی که مدیران دارای انگیزه پیشرفت متوسط به تولید توجه زیاد و به مردم التفات اندکی می‌کنند. مدیران دارای انگیزه پیشرفت پایین نیز بیشتر به حفظ منافع خود می‌اندیشند و کاری به کار زیردستان یا تولید ندارند.
- کسانی که اشتیاق زیادی برای پیشرفت دارند، در مشاغل خود نیز توفیق بیشتری نصیبشان می‌شود. مک‌کلنند (۱۹۷۷) در پژوهشی نشان داده است که افراد دارای انگیزه پیشرفت بالا سریعتر از دیگران ارتقاء مقام پیدا می‌کنند.

### موضوع تحقیق

این تحقیق برای پاسخگویی به پرسش زیر انجام گرفته است: آیا میان شیوه‌های فرزند پروری والدین با انگیزه پیشرفت پسران مدارس راهنمایی شهر اهواز رابطه‌ای وجود دارد؟ شیوه‌های فرزند پروری مورد نظر عبارت بودند از آموزش استقلال، تسلط و مراقبت به کودکان.

## فرضیه‌های تحقیق

- ۱- شیوه‌های فرزند پروری سه گانه استقلال آموزی، تسلط آموزی و مراقبت آموزی با انگیزه پیشرفت دانش آموزان پسر مدارس راهنمایی اهواز رابطه دارند.
- ۲- سن استقلال آموزی به دانش آموزان پسر راهنمایی اهواز از سوی مادرانشان با انگیزه پیشرفت این دانش آموزان همبستگی منفی دارد.
- ۳- سن تسلط آموزی به دانش آموزان پسر راهنمایی اهواز از سوی مادرانشان با انگیزه پیشرفت این دانش آموزان همبستگی منفی دارد.
- ۴- سن مراقبت آموزی دانش آموزان پسر راهنمایی اهواز از سوی مادرانشان با انگیزه پیشرفت این دانش آموزان همبستگی منفی دارد.

انگیزه پیشرفت را در مقدمه این گزارش تعریف کردیم. اکنون به اجمال به تعریف سه متغیر استقلال، تسلط و مراقبت می‌پردازیم. استقلال یعنی اینکه کودک بتواند شخصا، "مستقلا" و بدون کمک دیگران کارهای مربوط به خود نظیر پیدا کردن دوست، مدرسه رفتن و درس خواندن را انجام دهد. تسلط یعنی اینکه کودک در انجام فعالیت‌هایی از قبیل ورزش، سرگرم کردن خود، انجام کارهای مشکل و غیره مهارت پیدا کند، و مراقبت یعنی توانایی انجام امور شخصی در منزل مانند غذا خوردن، مسواک زدن و خوابیدن.

## روش

## جمعیت هدف و روش نمونه گیری

جمعیت هدف در این تحقیق دانش آموزان پسر مدارس راهنمایی شهر اهواز در سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲ هستند. اهواز از لحاظ آموزش و پرورش به سه ناحیه تقسیم شده است و دانش آموزان در هر یک از این سه ناحیه ممکن است از پایگاه‌های اجتماعی اقتصادی متفاوتی برخوردار باشند. نمونه تحقیق متشکل از ۱۰۸ آزمودنی است که با روش تصادفی چند مرحله‌ای به شرح زیر انتخاب شدند. نخست، فهرست مدارس راهنمایی پسرانه نواحی سه گانه آموزش و پرورش اهواز تهیه گردید. سپس مدارس هر ناحیه با نظرخواهی از مدیران این مدارس و برخی از مسئولان اداره آموزش و پرورش از لحاظ پایگاه اجتماعی اقتصادی به سه سطح بالا، متوسط، و پایین تقسیم شدند. آن گاه از هر یک از این سه سطح در هر یک از نواحی سه گانه آموزش و

پرورش با روش تصادفی ساده ۲ مدرسه راهنمایی و در مجموع ۱۸ مدرسه انتخاب شد. مدارس راهنمایی انتخاب شده ۳۰٪ کلیه مدارس راهنمایی پسرانه اهواز هستند. از هر یک از این ۱۸ مدرسه راهنمایی برای هر پایه تحصیلی با روش تصادفی ساده ۲ کلاس و با همان روش از میان دانش آموزان هر کلاس یک نفر انتخاب گردید. بدین ترتیب، نمونه‌ای با حجم ۱۰۸ آزمودنی به دست آمد.

### ابزارهای تحقیق

برای اندازه‌گیری شیوه‌های فرزند پروری از پرسشنامه‌ای که بر اساس پرسشنامه وینتر باتوم (۱۹۵۳) توسط گزارشگران این تحقیق به فارسی تهیه شده است استفاده شد. در این پرسشنامه از مادران خواسته می‌شود تا سنی را که انتظار داشته‌اند پسرانشان فعالیت‌های خاصی را انجام دهند مشخص کنند. این پرسشنامه مشتمل بر سه مقیاس استقلال آموزی، تسلط آموزی و مراقبت آموزی است. نمونه‌ای از سئوالات هر یک از سه مقیاس این پرسشنامه در زیر ارائه شده است: حدوداً در چند سالگی انتظار داشتید که پسران فعالیت‌های زیر را یاد بگیرد؟

- ۱- راه خود را در نزدیکی خانه یاد بگیرد، به طوری که بدون اینکه گم شود بتواند در هر جا که دلش بخواهد بازی کند؟... سالگی. (از مقیاس استقلال آموزی).
- ۲- در بالا رفتن از پله‌ها، پریدن و ورزش، فعال و پر تحرک باشد؟... سالگی. (از مقیاس تسلط آموزی).
- ۳- خودش بتواند لباسهایش را در آورد و به رختخواب برود؟... سالگی (از مقیاس مراقبت آموزی).

به منظور تعیین اعتبار هر یک از مقیاسهای سه گانه، یک سؤال متناسب با تعریف هر یک از آنها تهیه گردید و همراه با پرسشنامه اصلی از مادران پرسیده شد. سپس ضریب همبستگی کل پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری با جمع نمره‌های این سه سؤال به عنوان متغیر ملاک، و نیز ضریب همبستگی هر یک از سه مقیاس فرزند پروری با سؤال خاص مربوط به خود به طور جداگانه محاسبه شد. ضریب اعتبار کل آزمون ۰/۹۰ و ضرایب اعتبار مقیاسهای سه گانه هر کدام ۰/۸۳ است.

به منظور اندازه‌گیری انگیزه پیشرفت از مقیاس انگیزه پیشرفت آزمون توصیف خودگیزی (Ghiselli، ۱۹۷۱) استفاده به عمل آمد. آزمون توصیف خودگیزی متشکل از ۶۴ ماده است که ۱۳ مقیاس متفاوت را اندازه‌گیری می‌کند. هر ماده آن مشتمل بر دو صفت است. در ۳۲ ماده

بخش اول این آزمون، هر ماده مرکب از دو صفت مطلوب است و آزمودنی باید صفتی را که بیشتر به توصیف او می‌پردازد مشخص سازد. در ۳۲ ماده بخش دوم این آزمون، هر ماده مرکب از دو صفت نامطلوب است و آزمودنی باید صفتی را که کمتر به توصیف او می‌پردازد مشخص سازد. مقیاس انگیزه پیشرفت این آزمون از ۲۰ ماده تشکیل شده است. نمونه‌ای از ماده‌های مطلوب و نامطلوب این مقیاس به ترتیب به شرح زیر است:

### ۱- توانا دانا ، ۲- کوتاه بین خسیس

ضریب اعتبار این مقیاس بر اساس همبستگی آن با درجه بندی معلمان از میزان انگیزه پیشرفت آزمودنی‌های این آزمایش برابر با  $0/74$  است. ضرایب اعتبار فوق همگی در سطح کمتر از  $0/01$  آماری معنی دارند.

برای تعیین پایایی کل پرسشنامه فارسی شیوه‌های فرزند پروری و مقیاس‌های سه گانه آن از دو روش تنصیف زوج - فرد و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب آلفایین  $0/73$  تا  $0/92$  دامنه تغییر دارند. ضرایب تنصیف قدری کم‌ترند. ضریب پایایی تنصیف مقیاس انگیزه پیشرفت گیزی برای  $0/63$  است. همگی این ضرایب در سطح آماری کمتر از  $0/01$  معنی دارند، بجز ضریب پایایی تنصیف مقیاس مراقبت آموزی که در سطح کمتر از  $0/05$  معنی دار است.

### یافته‌ها

در این بخش نخست یافته‌های توصیفی و سپس یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها ارائه شده‌اند. یافته‌های توصیفی مشتملند بر میانگین و انحراف معیار مقیاس انگیزه پیشرفت پرسشنامه توصیف خودگیزی و میانگینها و انحرافهای معیار مقیاسهای سه گانه شیوه‌های فرزند پروری برای سطوح سه گانه پایگاه اجتماعی اقتصادی و برای کل نمونه آزمودنیها. این یافته‌ها در جدول شماره ۱ ارائه شده‌اند. مندرجات این جدول نشان می‌دهد که برای کل نمونه و برای آزمودنیهای دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا و پایین میانگین سن استقلال آموزی بالاترین مقدار و میانگین سن مراقبت آموزی پایتترین مقدار است. میانگین سن تسلط آموزی در وسط آن دو قرار دارد. میانگین سن استقلال آموزی در آزمودنیهای دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط نیز بالاترین مقدار است، لیکن پایتترین مقدار به میانگین تسلط آموزی اختصاص یافته است نه به مراقبت آموزی.

مقایسه میانگینهای کل پرسشنامه و مقیاسهای سه گانه فرزند پروری برای آزمودنیهای دارای



پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا، متوسط و پایین نشان می‌دهد که در کل پرسشنامه و در مقیاس استقلال آموزی با کاهش پایگاه اجتماعی اقتصادی میانگین سن بیشتر می‌شود. لیکن برای دو مقیاس دیگر ترتیب مشخصی ملاحظه نمی‌گردد.

جدول ۱ - میانگینها و انحرافهای معیار مقیاس انگیزه پیشرفت، پرسشنامه و مقیاسهای سه گانه شیوه‌های فرزند پروری برای سه سطح پایگاه اجتماعی اقتصادی به طور جداگانه و برای کل نمونه دانش آموزان پسر مدارس راهنمایی اهواز در سال تحصیلی ۷۲ - ۱۳۷۱.

پرسشنامه و مقیاسها		پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا		پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط		پایگاه اجتماعی اقتصادی پائین		کل نمونه	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
مقیاس استقلال آموزی		۸/۵۰	۲/۷۱	۹/۱۱	۲/۴۵	۱۰/۹۴	۳/۲۱	۹/۵۲	۲/۹۷
مقیاس تسلط آموزی		۷/۷۹	۲/۶۵	۶/۶۹	۲/۳۲	۱۰/۲۲	۲/۷۳	۸/۹۰	۲/۷۴
مقیاس مراقبت آموزی		۶/۳۷	۱/۸۲	۸/۶۹	۲/۲۹	۸/۱۷	۱/۹۹	۷/۰۷	۲/۱۸
کل پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری		۷/۵۶	۲/۱۴	۸/۱۷	۲/۱۰	۹/۷۸	۲/۲۲	۸/۵۰	۲/۳۳
مقیاس انگیزه پیشرفت		۲۸/۷۸	۷/۴۶	۲۹/۶۷	۶/۸۱	۲۴/۷۸	۷/۳۰	۲۷/۷۴	۷/۴۴

انحرافهای معیار کل پرسشنامه و مقیاسهای سه گانه فرزند پروری برای آزمودنیهای دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا، متوسط، و پایین به طور جداگانه، ترتیب یکسانی دارند. بالاترین انحراف معیار از آن استقلال آموزی و کمترین مقدار متعلق به مراقبت آموزی است و انحراف معیار مقیاس تسلط آموزی در وسط آن دو قرار دارد.

در خصوص میانگینها و انحرافهای معیار مقیاس انگیزه پیشرفت برای آزمودنیهای دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی متفاوت روند خاصی به چشم نمی‌خورد.

یافته‌های مربوط به فرضیه‌های چهارگانه تحقیق به صورت ضرایب همبستگی میان کل پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری و مقیاسهای سه گانه استقلال آموزی، تسلط آموزی و مراقبت آموزی با مقیاس انگیزه پیشرفت در جدول ۲ ارائه شده‌اند. نتایج مندرج در ستون آخر (کل نمونه) در جدول ۲ حاکی از آنند که میان پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری و سه مقیاس جداگانه آن از یک سو، و مقیاس انگیزه پیشرفت از سوی دیگر ضرایب همبستگی معنی

داری وجود دارد. این ضرایب همبستگی برای فرضیه‌های اول تا چهارم به ترتیب ۰/۶۳-، ۰/۵۰-، ۰/۵۹- و ۰/۵۰- است که همگی آنها در سطح آماری کمتر از ۰/۰۰۱ معنی دارند. بدین ترتیب، چهار فرضیه مطرح شده در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته‌اند. ضریب همبستگی چند گانه سه مقیاس شیوه‌های فرزند پروری با مقیاس انگیزه پیشرفت نیز محاسبه شد. مقدار حاصل مساوی ۰/۶۳ است. (ضریب همبستگی چند گانه همواره به صورت مثبت ارائه می‌شود و صرفاً بر اندازه رابطه دلالت دارد نه بر جهت آن). این ضریب همبستگی از نظر قدر مطلق با ضریب همبستگی ساده کل پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری با مقیاس انگیزه پیشرفت که ۰/۶۳- است برابر می‌باشد. این یافته نه تنها فرضیه اول این تحقیق را به صورتی دیگر تأیید می‌کند، بلکه گویای آن است که مقیاسهای سه گانه استقلال آموزی، تسلط آموزی، و مراقبت آموزی از لحاظ پیش بینی انگیزه پیشرفت وزن و اهمیت یکسان دارند.

جدول ۲- ضرایب همبستگی پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری و مقیاسهای آن با مقیاس انگیزه پیشرفت برای سه سطح پایگاه اجتماعی اقتصادی به طور جداگانه و برای کل نمونه دانش آموزان پسر مدارس راهنمایی اهواز در سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱.

کل نمونه	پایگاه اجتماعی اقتصادی			متغیرهای همبسته
	پایین	متوسط	بالا	
۰/۶۳-	۰/۵۴-	۰/۵۶-	۰/۷۰-	همبستگی پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری و مقیاس انگیزه پیشرفت
۰/۵۰-	۰/۴۱-	۰/۵۱-	۰/۷۳-	همبستگی مقیاس استقلال آموزی و مقیاس انگیزه پیشرفت
۰/۵۹-	۰/۵۰-	۰/۵۸-	۰/۶۲-	همبستگی مقیاس تسلط آموزی و مقیاس انگیزه پیشرفت
۰/۵۰-	۰/۴۷-	۰/۴۳-	۰/۴۸-	همبستگی مقیاس مراقبت آموزی و مقیاس انگیزه پیشرفت

یادداشت ۱- N مربوط به هر یک از پایگاههای سه گانه اجتماعی اقتصادی برابر با ۳۶ است. یادداشت ۲- N مربوط به کل نمونه برابر با ۱۰۸ است.

ستونهای منعکس کننده پایگاههای اجتماعی اقتصادی بالا، در جدول ۲ حاوی یافته‌هایی

است که فرضیه‌های چهارگانه این تحقیق را به صورت تفکیکی برای هر یک از این سه پایگاه اجتماعی اقتصادی مورد تأیید قرار می‌دهند. بیشترین مقدار این ضرایب همبستگی  $0/73-$  و کمترین آنها  $0/41-$  است و همگی آنها در سطح آماری کمتر از  $0/003$  معنی دارند. به بیان دیگر، چهار فرضیه این تحقیق نه تنها در رابطه با کل نمونه تأیید شده‌اند، بلکه در ارتباط با آزمودنی‌های هر یک از سه پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا، متوسط، و پایین به طور جداگانه نیز تأیید گردیده‌اند.

برای روشن ساختن این موضوع که آیا زوجهای مختلف ضرایب همبستگی بین پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری و سه مقیاس آن از یک سو و مقیاس انگیزه پیشرفت از سوی دیگر، برای سه پایگاه اجتماعی اقتصادی تفاوت معنی داری دارند یا نه، از شاخص  $Z$  فیشر در خصوص تفاوت بین دو ضریب همبستگی استفاده شد (اسفندیاری و عابدی، ۱۳۶۸ ص. ۱۲۷). این نتایج در جدول ۳ ارائه شده‌اند.

جدول ۳- تفاوت ضرایب همبستگی میان پرسشنامه و مقیاسهای جداگانه شیوه‌های فرزند پروری و مقیاس انگیزه پیشرفت بر حسب  $Z$  فیشر.

تفاوت ضرایب همبستگی طبق روش فیشر برای زوجهای پایگاه اجتماعی اقتصادی			متغیرهای همبسته
متوسط و پایین	بالا و پایین	بالا و متوسط	
۰/۱۴۶	۱/۰۷	۰/۲۲	پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری و مقیاس انگیزه پیشرفت
۰/۵۲	۲/۰۰۴	۱/۴۹	مقیاس استقلال آموزی و مقیاس انگیزه پیشرفت
۰/۴۶	۰/۸۲	۰/۳۵	مقیاس تسلط آموزی و مقیاس انگیزه پیشرفت
۰/۲۸۸	۰/۰۵۳	۰/۲۸	مقیاس مراقبت آموزی و مقیاس انگیزه پیشرفت

همان طور که از مندرجات این جدول بر می‌آید کمترین مقدار  $Z$  حاصل برابر با  $0/053$  و بیشترین مقدار آن مساوی با  $2/004$  است. مقدار اخیر حاکی از تنها تفاوتی است که از لحاظ آماری در سطح  $0/05$  معنی دار است و مربوط به تفاوت دو ضریب همبستگی میان استقلال

آموزی و مقیاس انگیزه پیشرفت برای آزمودنیهای واجد پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا و پایین است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که زوجهای ضرایب همبستگی میان پرسشنامه و سه مقیاس شیوه‌های فرزند پروری و انگیزه پیشرفت آزمودنیها در دیگر سطوح پایگاه اجتماعی اقتصادی تفاوت معنی داری با هم ندارند.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میان سن آغاز به کارگیری شیوه‌های فرزند پروری (استقلال آموزی، تسلط آموزی و مراقبت آموزی) مادران در مورد پسران دانش آموز راهنمایی اهواز و انگیزه پیشرفت این دانش آموزان رابطه وجود دارد. این رابطه هم برای کل پرسشنامه و هم برای سه مقیاس جداگانه آن از یک سو، و مقیاس انگیزه پیشرفت از سوی دیگر به دست آمده است. این رابطه، رابطه‌ای منفی است، بدین معنا که هر چه سن آغاز به کارگیری این شیوه‌ها پایتتر باشد، میزان انگیزه پیشرفت بیشتر است. بدین سان، چهار فرضیه مطرح شده در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته‌اند. با قید احتیاط و با آگاهی از اینکه ضریب همبستگی جهت علیت را نشان نمی‌دهد می‌توان ادعا کرد که اگر والدین به استقلال، تسلط و مراقبت آموزی پسرانشان از سنین پایتتر آغاز کنند، این پسران احتمالاً از انگیزه پیشرفت بالاتری برخوردار خواهند شد.

یافته‌های به دست آمده در این تحقیق نتایج حاصل از پژوهشهای مک‌کللند و همکاران (۱۹۵۳، ۱۹۶۱) و وینتر باتوم (۱۹۵۳) را تأیید می‌کنند و با یافته‌های تحقیقات کار و مدنیک (۱۹۸۸) و روزن وداندراد (۱۹۵۹) همسو هستند.

شایان ذکر است که تحقیقات آینده باید سن بهینه آغاز به کارگیری شیوه‌های فرزند پروری مربوط به انگیزه پیشرفت را مشخص سازد، چه منطقیاً نمی‌توان انتظار داشت که این شیوه‌ها را از بدو تولد به کار گرفت. همچنین در خصوص شیوه‌های فرزند پروری و رابطه آنها با انگیزه پیشرفت در دختران تحقیق چندانی به عمل نیامده است و مناسبت دارد که در آینده به این موضوع نیز پرداخته شود.

در این تحقیق پایگاه اجتماعی اقتصادی دانش آموزان تنها بر اساس پایگاه مدرسه‌ای که در آن به تحصیل اشتغال داشتند تعیین شده است. بهتر این است که در تحقیقات آینده پایگاه اجتماعی اقتصادی آزمودنیها با ابزارهای دقیقتری تعیین شود.

منابع

- Atkinson, J.W. (1957). *Motivational determinants of risk - taking behavior*. *Psychological Review*, 64. 359 - 372.
- Atkinson, J.W. (1965). *The mainspring of achievement - oriented activity*. In J.D. Kramoltz (Ed.). *Learning and educational process*. Skokie, Ill.: Rand McNally.
- Bradborn, N.M. (1963). *N - achievement and father dominance in Turkey, J. Abnorm. Soc. Psychology*, 67: 464 - 468.
- Ghiselli, E.E. (1971). *Explorations in managerial Talent, pacific palisades*. California: Goodyear Publishing company, Inc.
- Hall, Jay. in Ron Zemke. (1979). What are high - achieving managers really like. "Training/HRD. February.
- Korman, A.K. (1977). *Organizational behavior*, Englewood cliffs, NJ: Prentice - Hall.
- McClelland, D.C. (1961). *The achieving society*. Princeton, N.J. Von Nostrand.
- McClelland, D.C. (1977). *Entrepreneurship and management in the years ahead*. In C.A. Bramlette, Jr. (Ed.). *The Individual and the Future of Organizations*. Atlanta: Georgia: Georgia state Univ., College of Business Administration.
- Miner, J.B. (1992). *Industrial - organizational Psychology*. New York; McGraw - Hill.
- Robbins. S.P. (1993). *Organizational behavior. 6th Ed. Englewood Cliffs, NJ: prentice - Hall*.

Rosen, B.C. and D' Andrade. R.(1959). *The psychological origins of achievement motivation*. Sociometry, 22, 185-195, 215 - 218.

Winterbottom M.R., The relation of childhood training in independence to achievement motivation. University of Michigan. Abstract on university Microfilms. Publication No. 5113. cited by D.C.McClelland. et al. (1953). The Achievement motive. New York: Appleton - Century. Crofts.

گلاس، جین و.، و استانلی، جولین سی. روشهای آماری در تعلیم و تربیت و روان شناسی. ترجمه: مهتاش اسفندیاری و جمال عابدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.